



منطق دهم

(رشته‌های علوم انسانی و معارف اسلامی)

از مجموعه رشادت



اصغر حجازیان





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

بسیار خرسندیم که کتاب «منطق دهم آیش» را تقدیم دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی و معارف اسلامی می‌کنیم. این کتاب مطالب منطق پایه اول دوره دوم متوسطه را در سطح پیشرفته ارائه می‌دهد. دانش‌آموز، ابتدا با مباحث هر درس آشنا می‌شود و با تمرین‌های مناسب بر آن مطالب اشراف پیدا می‌کند. سپس به پرسش‌های تشریحی جامع و مانع که براساس تیپ‌بندی امتحانات نهایی، تهیه شده است پاسخ می‌دهد تا بر موضوع تسلط کامل یابد. پرسش‌ها برخی تألیفی هستند و برخی مربوط به آزمون‌های نهایی آموزش و پرورش در سال‌های اخیر می‌باشند. دانش‌آموزان باید توجه داشته باشند که ترتیب مطالعه آن‌ها باید رعایت شود.

انتظار می‌رود کتاب حاضر، همه نیازهای دانش‌آموزان کلاس دهم را که مایل به تحصیل در بهترین دانشگاه‌ها و بهترین رشته‌های کشور هستند، پاسخ‌گو باشد. در این جا لازم می‌دانیم از مؤلف محترم آقای اصغر حجازیان که کتاب را زیر نظر دبیر مجموعه تألیف کرده‌اند تشکر کنیم. همچنین از خانم‌ها فرشته کلاهی حشمت (حروفچین و صفحه‌آرا)، و بهاره خُدای (گرافیک) و مدیران و همکاران واحدهای حروف‌چینی، تولید و فروش سپاسگزاریم. امیدواریم دبیران محترم منطق و دانش‌آموزان و خانواده‌های عزیز آن‌ها ما را با اعلام نظرات، پیشنهادها و انتقادهای خود درباره این کتاب یاری فرمایند.

انتشارات مبتکران

صفحه	عنوان
	درس اول:
۸	انسان و تفکر
.....	درس نامه
۱۰	پرسش های استاندارد
.....	پاسخ پرسش ها
۱۳
	درس دوم:
	چگونه تعریف می کنیم؟
۱۶	درس نامه
.....	پرسش های استاندارد
۲۱
۲۳	پاسخ پرسش ها
.....	
	درس سوم:
	تعریف و دنیای مفهوم
۲۶	درس نامه
.....	پرسش های استاندارد
۳۲
۳۵	پاسخ پرسش ها
.....	
	درس چهارم:
	کلیات خمس (اقسام ذاتی و عرضی)
۳۸	درس نامه
.....	پرسش های استاندارد
۴۲
۴۵	پاسخ پرسش ها
.....	
	درس پنجم:
	اقسام تعریف
۴۸	درس نامه
.....	پرسش های استاندارد
۵۲
۵۵	پاسخ پرسش ها
.....	
	درس ششم:
	چاپگاه قضیه در استدلال
۵۸	درس نامه
.....	پرسش های استاندارد
۶۱
۶۳	پاسخ پرسش ها

درس هفتم: اقسام قضیه حملی و شرطی

درس نامه ۶۵

پرسش های استاندارد ۶۸

پاسخ پرسش ها ۷۱

درس هشتم: احکام قضایای حملی

درس نامه ۷۴

پرسش های استاندارد ۷۹

پاسخ پرسش ها ۸۲

درس نهم: استدلال (ترکیب قانون مند قضایا)

درس نامه ۸۶

پرسش های استاندارد ۹۰

پاسخ پرسش ها ۹۲

درس دهم: اقسام قیاس

درس نامه ۹۴

پرسش های استاندارد ۱۰۲

پاسخ پرسش ها ۱۰۷

درس یازدهم: ارزش قیاس

درس نامه ۱۱۲

پرسش های استاندارد ۱۱۴

پاسخ پرسش ها ۱۱۶

درس دوازدهم: محتوای استدلال و صناعات خمس

درس نامه ۱۲۰

پرسش های استاندارد ۱۲۵

پاسخ پرسش ها ۱۲۹

درس سیزدهم: مغالطه / سفسطه

درس نامه ۱۳۲

پرسش های استاندارد ۱۳۵

پاسخ پرسش ها ۱۳۷

راهنمای یادگیری





درسنامه

« ملاک‌های برتری انسان »

این که انسان موجود متفاوتی است بر کسی پوشیده نیست ولی این که چرا انسان اشرف مخلوقات و گل سرسبد آفرینش هست ناشی از معیارها و ملاک‌های مختلفی است **مانند:**

- ۱- **عمل و رفتار:** پیچیدگی و تنوع رفتار آدمی در عرصه‌های گوناگون از یک سو، و غیرقابل شناخت بودن آن از سوی دیگر، می‌تواند انسان را از سایر حیوانات متمایز کند.
- ۲- **اراده و اختیار:** این که انسان، دست به انتخاب می‌زند، انتخابی آگاهانه و هدف‌دار که به روند تکاملی او یاری می‌رساند. عنصر «تصمیم» و اتکای به آگاهی ذخیره شده و فرهنگ، از اسباب برتری انسان قلمداد می‌شود.
- ۳- **تفکر و تعقل:** عمومی‌ترین، باسابقه‌ترین و تاریخی‌ترین ملاک تمایز انسان که «**ارسطوئیان**» نیز به آن باور دارند و در کتاب‌های منطق و فلسفه هم به آن اشاره شده، «قدرت تفکر و ناطق بودن» است.
- ۴- و شاید ملاک‌های دیگر.

« مفهوم «نطق»: نطق به دو معنا به کار می‌رود:
 ۱- نطق ظاهر: تکلم و سخن گو بودن
 ۲- نطق باطن: تفکر و اندیشه کردن

- ۱- منظور از نطق در منطق و این که انسان، حیوان ناطق است، نطق باطن و تفکر است.
- ۲- اگر منظور را نطق ظاهر بدانیم دچار دو اشکال می‌شویم:
 - ۱-۲- موضوع منطق، انسان است و نه سایر حیوانات ← اگر نطق ظاهر را بپذیریم، گروهی دیگر از حیوانات را که سخن‌گو هستند هم دربر می‌گیرد و به قولی شامل افراد اضافه می‌شود.
 - ۲-۲- در این صورت، گروهی از انسان‌ها را که لال هستند و متفکر و خردمند ولی چون زبان و تکلم ندارند را دربر نمی‌گیرد و لذا جامع و کامل نخواهد بود.
- ۳- **ارسطوئیان یا مشائیون:** پیروان مبانی اصلی فلسفه ارسطو (فیلسوف قرن ۴ ق.م) هستند که فقط به روش عقلی و برهان می‌پردازند و به شهود و عرفان کاری ندارند. ارسطوئیان برای تأکید بر جایگاه ویژه اندیشه و تفکر، «انسان» را «حیوان ناطق» یعنی «متفکر» نامیده‌اند.

معلم اول: ارسطو معلم دوم: فارابی معلم سوم: میرداماد

البته تفکر و نطق باطن، در سخن گفتن و نطق ظاهر، تجلی یافته و بروز می‌یابد: مگه نشنیدید که می‌گن: «تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد» پس، ویژگی و ملاک برجسته تفکر و اندیشه انسان، به مفهوم اصلی درس ما (منطق) بسیار نزدیک است.

* ساختار وجودی انسان (جسم و روح)

- ۱- وجود ما متشکل از جسم و روح است که دارای فعالیت هدفمند و قانونمند می‌باشد یعنی نحوه فعالیت آن‌ها را می‌توان شناخت و دسته‌بندی کرد.
- ۲- از آن‌جا که «تفکر» مهم‌ترین فعالیت روح قلمداد می‌شود، منطق فقط با روح سروکار دارد چراکه «منطق»، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است ← نقش منطق: بهره‌برداری از فرایند طبیعی تفکر.





* منطق و ارسطو

منطق با تولد بشر، پدید آمده و یک امر طبیعی و ذاتی در نهاد انسان است و همه انسان‌ها «تفکر» دارند و چیزی که ساخته دست بشر باشد، نیست.

- ۱- تعریف منطق: قواعد و ضوابط حاکم بر دنیای تفکر ← منطق تکوینی
علم منطق: دانش تشریح طرز کار طبیعی ذهن در عمل تفکر ← منطق تدوینی
- ۲- منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و کسی سازنده آن نیست و ارسطو، صرفاً قواعد منطق را کشف و تدوین کرد. پس ایشان واضع، ابداع‌گر و مؤسس منطق نیست.
- ۳- فایده منطق: تفکر درست‌تر، دقیق‌تر، سریع‌تر، با خطای کم‌تر. (یعنی نمی‌تواند جلوی همه خطاهای فکری را بگیرد.)
- «ذهن» با اندیشیدن و تفکر، زنده است و منطق، ۱- ما را با طرز کار ذهن آشنا می‌کند.
۲- ما را در درست اندیشیدن یاری می‌کند.
۳- مانع بروز برخی اشتباهات هنگام تفکر می‌گردد.



آیش



- ۱- نحوه کار ذهن در فرآیند تفکر، همانند کار قلب است که به‌طور قانونمند و با چهارچوب فعالیت می‌کند.
- ۲: نقش ارسطو نسبت به منطق، همانند نقش نیوتن است نسبت به قانون جاذبه عمومی.
لویی پاستور است نسبت به کشف میکروب.
ویلیام هاروی است نسبت به سیستم گردش خون بدن.





الف) درست یا نادرست بودن عبارتهای زیر را تعیین کنید.



- ۱- پاسخ‌های گوناگون و متفاوتی به چرایی برتری انسان بر سایر موجودات داده شده است. (تألیفی)
- ۲- تنها ملاک برتری انسان بر سایر موجودات، قدرت تفکر و اندیشه اوست. (تألیفی)
- ۳- ملاکی که همواره در طول تاریخ تکرار شده و عمومیت یافته، برای برتری انسان، قدرت تفکر و اندیشه است. (تألیفی)
- ۴- مقصود از منطق در کتاب‌های منطق و فلسفه در «سخن گفتن» تجلی پیدا می‌کند. (تألیفی)
- ۵- در وجود آدمی تنها فعالیت روح، هدف‌دار و قانونمند است. (تألیفی)
- ۶- هیچ‌کس ابداع‌کننده منطق نیست. (فرداد ۹۵)
- ۷- مهم‌ترین فعالیت روح انسان، تفکر است. (شهریور ۹۴)
- ۸- ارسطو، طراح و ابداع‌کننده منطق است. (دی ۹۵)
- ۹- ارسطو، کاشف قواعد منطق است، مثل نیوتن که کاشف جاذبه است. (فرداد ۹۳)
- ۱۰- ذهن انسان درست مثل قلب است از این جهت که به طور طبیعی ضوابط تفکر را رعایت می‌کند. (شهریور ۹۳)
- ۱۱- ارسطوئیان، انسان را «حیوان ناطق» تعریف کرده‌اند. (فرداد ۹۲)
- ۱۲- ملاک برتری انسان نسبت به سایر موجودات همان قدرت تفکر اوست. (شهریور ۹۲)
- ۱۳- ذهن و قلب هر دو به نحو کاملاً ارادی مدام در حال کار و فعالیت هستند به نحوی که آدمی هر وقت که خواست می‌تواند آن‌ها را متوقف کند. (دی ۹۲)
- ۱۴- از نظر ارسطو ملاک برتری انسان همان اجتماعی بودن او می‌باشد. (دی ۹۱)
- ۱۵- منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است. (فرداد ۹۱)
- ۱۶- ذهن انسان به طور طبیعی ضوابط تفکر را رعایت می‌کند. (فرداد ۹۰)
- ۱۷- به کسانی که مبانی اصلی منطق ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند. (تألیفی)
- ۱۸- ما تنها می‌توانیم قوانین منطق را ابداع کنیم و با تأکید بر آن‌ها سریع‌تر، بهتر و دقیق‌تر بیندیشیم. (تألیفی)
- ۱۹- تنها کار ذهن تفکر است. (تألیفی)
- ۲۰- ارسطو طرز کار خدادادی ذهن را کشف و مدون کرد. (تألیفی)
- ۲۱- آشنایی با منطق، ما را در درست اندیشیدن یاری می‌کند و مانع بروز همه اشتباهات هنگام تفکر می‌شود. (تألیفی)
- ۲۲- ارسطو، کاشف و طراح قواعد منطق است، نه ابداع‌کننده آن. (تألیفی)



ب) عبارتهای زیر را با واژگان مناسب تکمیل کنید.

- ۱- ملاک برتری انسان نسبت به سایر موجودات است. (فرداد ۹۵)
- ۲- منطق از ذات بشر سرچشمه می‌گیرد لذا ارسطو ابداع‌کننده منطق (شهریور ۹۳)
- ۳- قواعد حاکم بر دنیای تفکر نام دارد. (فرداد ۹۲)
- ۴- دانشی که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند نام دارد. (شهریور ۹۵)
- ۵- کاشف و مدون منطق است. (فرداد ۹۱)
- ۶- ارسطوئیان برای نشان دادن جایگاه رفیع در ساختار وجود انسان، او را به حیوان تعریف کرده‌اند. (فرداد ۹۰)
- ۷- از تفکر و اندیشه در کتاب‌های منطق و فلسفه به یاد می‌کنند. (تألیف)
- ۸- نقش ارسطو نسبت به منطق، همانند نقش گراهام بل به تلفن، (تألیف)
- ۹- ارسطوئیان انسان را به تعریف کرده‌اند. (تألیف)
- ۱۰- وجود ما آمیخته‌ای از و است. (تألیف)
- ۱۱- مهم‌ترین فعالیت روح انسان است. (تألیف)
- ۱۲- علم منطق، دانشی است که طرز کار ذهن را در عمل تشریح می‌کند. (تألیف)
- ۱۳- «منطق» با «علم منطق»، متفاوت (تألیف)
- ۱۴- ذهن با زنده است و کاری جز ندارد. (تألیف)
- ۱۵- ذهن انسان ضوابط تفکر را به طور رعایت می‌کند. (تألیف)
- ۱۶- منطق از انسان سرچشمه می‌گیرد و تفکر با آغاز می‌شود. (تألیف)

پ) شماره مفهوم موردنظر را مقابل عبارت درست، بنویسید.

- ۱- بعدی از وجود انسان که موردنظر منطق است
- ۲- علت گل سرسبد بودن و اشرف مخلوقات بودن انسان
- ۳- محل تجلی ملاک عمومی برتری انسان
- ۴- حرکت و اقدام معلم اول درباره منطق
- ۵- نقش منطق
- ۶- مبنای «حیوان ناطق» نامیدن انسان
- a- سخن گفتن و تکلم
- b- تفکر و اندیشه
- c- ابداع و تأسیس
- d- معیارها و ملاک‌های مختلف
- e- پرهیز از هرگونه خطای فکر
- f- روح
- g- روح و جسم
- h- بهره‌برداری بهتر از تفکر
- i- کشف و تدوین



آیش





ت) پاسخ کوتاه دهید.

- ۱- آیا برای برتری انسان نسبت به سایر موجودات، فقط یک معیار معرفی شده است؟ (تألیفی)
- ۲- رابطه تفکر و سخن گفتن چیست؟ (تألیفی)
- ۳- مهم‌ترین فعالیت روح انسان چیست؟ (دی ۹۰)
- ۴- عامل زنده بودن ذهن چیست؟ (تألیفی)
- ۵- آیا منطق، برنامه‌ای است که یک دانشمند بسازد و به دیگران بگوید این‌گونه فکر کنید؟ (تألیفی)
- ۶- نقش علم و دانش (اعم از منطق) در شناخت بدن و کارکرد آن چیست؟ (تألیفی)

ث) پاسخ تشریحی و کامل دهید.

- ۱- علم منطق را تعریف کنید. (فرداد ۹۱)
- ۲- چرا ارسطوئیان انسان را به حیوان ناطق تعریف کرده‌اند؟ (تألیفی)
- ۳- منطق با علم منطق چه تفاوتی دارد؟ (تألیفی)
- ۴- چرا نمی‌توان ارسطو را ابداع‌کننده منطق دانست؟ (تألیفی)
- ۵- منطقیون با جسم انسان سروکار دارند یا روح؟ چرا؟ (تألیفی)





(الف)

- ۱- درست
- ۲- نادرست؛ برخی عمل و رفتار انسان، گروهی قدرت تفکر او و بعضی به عوامل دیگر اشاره کرده‌اند [ص ۱]
- ۳- درست ۴- درست
- ۵- نادرست، وجود آدمی آمیخته‌ای از روح و جسم است و فعالیت هر دو هدف‌دار و قانون‌مند است. [ص ۱]
- ۶- درست ۷- درست، [ص ۱] ۸- نادرست، [ص ۳] ۹- درست
- ۱۰- درست [ص ۲] ۱۱- درست ۱۲- درست ۱۳- نادرست
- ۱۴- نادرست ۱۵- درست ۱۶- درست
- ۱۷- نادرست، به کسانی که مبانی اصلی فلسفه ارسطو را پذیرفته‌اند، ارسطوئیان می‌گویند. [ص ۱]
- ۱۸- نادرست، ما تنها می‌توانیم قوانین منطق را کشف کنیم. [ص ۲] ۱۹- درست
- ۲۰- درست ۲۱- نادرست، آشنایی با منطق مانع بروز برخی از اشتباهات در هنگام تفکر می‌شود.
- ۲۲- نادرست، ارسطو کاشف و مدون قواعد منطق است، نه طراح آن.

(ب)

- ۱- تفکر ۲- نیست ۳- منطق ۴- منطق
- ۵- ارسطو ۶- اندیشه - حیوان ناطق ۷- نطق [ص ۱] ۸- نیست
- ۹- حیوان ناطق [ص ۱] ۱۰- روح و جسم [ص ۱] ۱۱- تفکر [ص ۱] ۱۲- تفکر [ص ۳]
- ۱۳- است ۱۴- اندیشه کردن - تفکر [ص ۳] ۱۵- طبیعی [ص ۳]
- ۱۶- ذات - خلقتش

(پ)

- ۱- f ۲- d ۳- a ۴- i ۵- h ۶- b

(ت)

- ۱- خیر، ملاک‌ها و معیارهای مختلف مطرح است.
- ۲- این دو متفاوتند ولی تفکر در سخن گفتن، متجلی و آشکار می‌شود.
- ۳- تفکر
- ۴- تفکر و اندیشه کردن
- ۵- خیر
- ۶- دانش و آگاهی ما تنها می‌تواند به استفاده بهتر از این اعضا منجر شود.





(ث)

- ۱- علم منطق: دانشی که طرز کار ذهن را در عمل تفکر تشریح می‌کند تا انسان بهتر، درست‌تر و سریع‌تر از آن استفاده کند.
- ۲- خواسته‌اند جایگاه رفیع اندیشه را در ساختار وجود انسان نشان دهند. [ص ۱]
- ۳- منطق، قواعد حاکم بر دنیای تفکر است (به‌طور طبیعی و ذاتی) ولی کشف این ضوابط و نشان دادن کاربرد آن‌ها در تفکر و این‌که چه عواملی باعث تسریع و بهتر تفکر و چه چیزهایی باعث کندی و نارسایی تفکر می‌شود، به «علم منطق» مربوط است.. [صص ۲ و ۳]
- ۴- زیرا منطق از ذات انسان سرچشمه می‌گیرد و هیچ‌کس ابداع‌کننده آن نیست و تنها طرز کار خدادادی ذهن را کشف و مدوّن نموده و به دیگران نشان داده که ذهن چگونه فعالیت می‌کند مانند نیوتن که کاشف جاذبه است نه سازنده آن. [ص ۳]
- ۵- منطق، قواعد حاکم بر دنیای «تفکر» است و چون «تفکر» مهم‌ترین فعالیت روح انسان است لذا منطق با روح انسان سروکار دارد.



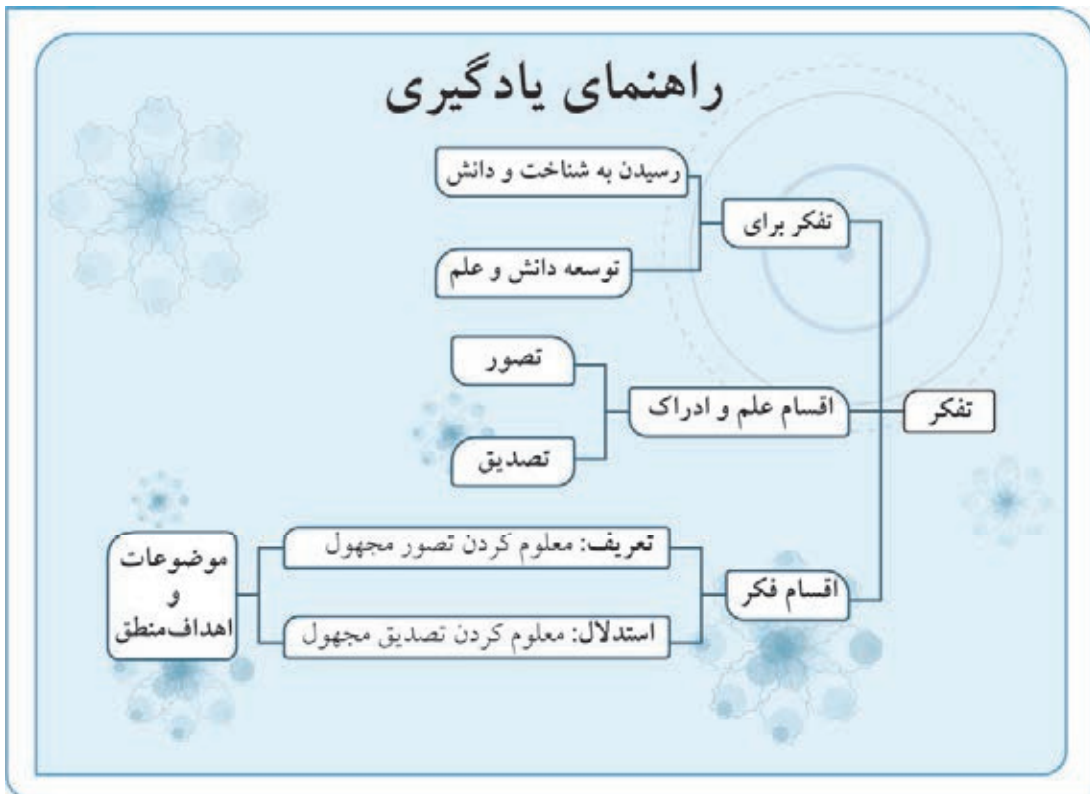
منطق دهم



۱۴

باور داشته باش، پیروزی آن نیست که هرگز زمین نخوری،
بلکه آن است که پس از هر زمین خوردنی، برخیزی.







مقدمه: اراده و تفکر

- ۱- فکر کردن، ذاتی انسان است و از او جدا نمی‌شود: یعنی انسانی نیست که از ویژگی اندیشیدن و تفکر برخوردار نباشد.
 - ۲- گرچه تفکر، امری طبیعی، خدادادی و غیرارادی است اما مسایل و موضوعات تفکر، به اراده و انتخاب خودمان است و سامان‌دهی تفکر، موجب اشتباه کم‌تر خواهد بود یعنی ما تصمیم می‌گیریم به چه چیز یا چیزهایی فکر کنیم.
 - ۳- نقش و اهمیت تفکر:
- ۳-۱) رسیدن به دانش و شناخت
۳-۲) رسیدن به شناخت‌های جدید و توسعه‌ی علم

علم و اقسام آن

الف - تعریف «علم»: صورت ذهنی از هر چیز = صورت‌های ذهنی

صورت‌های محسوس: صداها، بوها، رنگ‌ها و...
صورت‌های معقول: مفاهیم خیالی و...
اسناد بین صورت‌ها: جمله‌ها و قضیه‌ها

نکته فرق عالم با جاهل: صورت یا صورت‌هایی در ذهن عالم هست که جاهل آن را ندارد.

ب - اقسام علم و ادراک: نخستین بار معلم ثانی «فارابی» علم را به تصور و تصدیق تقسیم کرد که مورد پذیرش منطقیون بعدی نیز قرار گرفت.

- ۱- تصور: صورت ذهنی بدون نسبت، حکم و قضاوت. **مانند:**
 - ۱- کلمه: حسن، مثلث، درخت
 - ۲- عبارت بدون فعل: شوری ناهار امروز، باهوش بودن حسن
 - ۳- جمله مرکب ناقص: مردی که آمد، درسی که خواندیم
- ۲- تصدیق (قضیه): علم برخوردار از حکم، نسبت و قضاوت درباره‌ی چیزی؛ یعنی از واقعیت داشتن یا نداشتن چیزی سخن می‌گوییم.

مانند:

حکم به بودن چیزی: حسن باهوش است / حکم به باهوش بودن حسن.
حکم به نبودن چیزی: حسن باهوش نیست / حکم به باهوش نبودن حسن.

نکته‌ها

- ۱- راه تشخیص تصدیق از تصور: داشتن یا نداشتن حکم، نسبت و قضاوت است. اگر جمله خبری باشد، تصدیق می‌باشد و در غیر این صورت، تصور است.
- ۲- برای رسیدن به چستی یک مفهوم و تصور، از «تعریف» بهره می‌بریم.
- ۳- استدلال یا حجت: راه رسیدن به یک حکم، قضیه و تصدیق جدید / پاسخ به چرایی‌ها یا معلوم کردن یک تصدیق مجهول است.





تمرین

تصور یا تصدیق بودن موارد زیر را تعیین کنید:

- ۱- سبزی هر چمن:
- ۲- دل دیوانه:
- ۳- اصفهان، نصف جهان:
- ۴- سالی که نکوست:
- ۵- باهوش بودن حسن:
- ۶- این قافله عمر عجب می گذرد.

پاسخ

فقط شماره (۳) تصدیق است و حکم و قضاوتی را می رساند. بقیه موارد تصورند.

لفظ و اقسام آن

الف) تعریف لفظ: صوتی که در هوا پخش شده و از بین می رود ← اختراع خط

ب) اقسام لفظ:

۱- لفظ مفرد: لفظی که از یک جزء تشکیل شود.

- | | |
|-----------------|---|
| اقسام لفظ مفرد: | ۱-۱- اسم: لفظ مفرد معناداری که زمان ندارد (حسن / رفتن) |
| | ۱-۲- فعل / کلمه: لفظ مفردی که معنا، زمان و حالتی را بیان می کند. |
| | ۱-۳- حرف / ادات: لفظ مفردی که فاقد معنا و زمان است. (از - تا - با - را) |

تذکر

پس بچه ها یادتون باشه در منطق، فعل و کلمه، یکی اند در حالی که در زبان فارسی و عربی، فعل، نوعی کلمه است.

۲- لفظ مرکب: لفظی که از چند جزء تشکیل شده است.

- | | | |
|-----|---|---|
| ۲-۱ | } مرکب تام: معنای کاملی داشته و شنونده منتظر نیست. | خبری: قابل تصدیق و تکذیب است: هوا سرد است. |
| | | انشایی: قابل تصدیق و تکذیب نیست: هوا سرد است؟ |
| ۲-۲ | } مرکب ناقص: معنای کاملی نداشته و شنونده منتظر هست. | وصفی: گل زیبا |
| | | اضافی: گل باغ |

نکته

مرکب تام خبری = خبر = جمله خبری = تصدیق = قضیه

مرکب تام انشایی (تصور محسوب می شود) که دارای اقسامی است:

- ۱- امر: رو افتادگی آموز. ۲- نهی: مرنج و مرنجان. ۳- استفهامی / پرسشی: به کجا چنین شتابان؟
- ۴- تعجبی / عاطفی: مردم بالا دست چه صفایی دارند! ۵- تمنا: خواهشمندم اقدام کنید.
- ۶- ترجیحی / آرزویی: ای کاش قدر یکدیگر بدانند. ۷- ندایی: ای ایران، ای مرز پر گوهر

پرسش ۱: اگر کسی نداند «منطق» چیست؟ چگونه برایش معلوم می کنیم؟

- ۱- تعریف
- ۲- استدلال
- ۳- تفکر
- ۴- با معلومات پیشین

پاسخ

گزینه (۱): چون «منطق» تصور مجهول است باید از تصورات و مفاهیم معلوم، معلومش کنیم. ← تعریف

پرسش ۲: اگر کسی نداند «خدا یگانه و یکتا است» چگونه برایش معلوم می کنیم؟

- ۱- تعریف
- ۲- استدلال
- ۳- تفکر
- ۴- با معلومات پیشین

پاسخ

گزینه (۲): چون برای معلوم کردن تصدیق مجهول باید از تصدیق های معلوم (استدلال) کمک گرفت.



آییش

درس دوم: چگونه تعریف می کنیم؟





تمرین کدام یک از معلومات زیر تصورند؟ کدام یک تصدیق؟

- ۱- چرا رفتی؟
- ۲- رشته‌های انسانی بسیار پویا هستند:
- ۳- غاصب بودن اسرائیل:
- ۴- صدمبار اگر توبه شکستی بازآ:
- ۵- آش رشته افطاری مادر بزرگ حسن:
- ۶- ای کاش جوانی بازآآمدندی:

پاسخ

فکر و اقسام آن

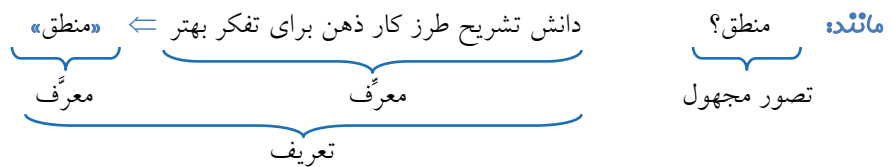
الف) تعریف تفکر: مرتب ساختن معلومات (چه تصویری و چه تصدیقی) برای کشف مجهول است یعنی؛ حرکت و فعالیت ذهن از دانسته‌ها به سوی آشکار کردن ندانسته‌ها.

ب) اقسام تفکر: از آن‌جا که علم ما دو گونه است (تصور و تصدیق)، مجهولات ما هم دو دسته است و انسان در فعالیت فکری خود، یکی از دو کار زیر را انجام می‌دهد:

۱- فکر تصویری (تعریف): تصور مجهول را از تصورات و مفاهیم معلوم به دست می‌آورند: مثلث = شکل سه ضلعی.

۱-۱) «معرف»: تصورات معلومی که برای کشف تصور مجهول به کار می‌رود (تعریف‌کننده)

۱-۲) «معرف»: تصورات مجهول معلوم شده (تعریف شده)



تذکر آن‌چه که تعریف می‌کند (معرف) و آن‌چه که تعریف می‌شود (معرف) باید یکی باشد یعنی نسبت تساوی بین آن‌ها برقرار باشد.

۲- فکر تصدیقی (استدلال): تصدیق مجهول را از تصدیق‌های معلوم، به دست می‌آورند و اثبات می‌کنند یعنی راه دست‌یابی به حکم و تصدیق جدید، استدلال است / چگونگی پاسخ به چراهاست. (استدلال = حجّت)

۲-۱) تصدیق مجهول } پیش از اثبات ← قضیه مطلوب
پس از اثبات ← قضیه نتیجه

۲-۲) «مقدمه» هر تصدیق معلومی که برای کشف و اثبات قضیه مجهول به کار می‌رود.

۲-۳) «استدلال» مقدمات و تصدیق‌های معلوم که برای کشف و اثبات قضیه مجهول به کار می‌رود.

قضیه مطلوب: شراب موز حرام است؟

استدلال } مقدمه ۱: شراب موز مسکر است.
مقدمه ۲: هر مسکری حرام است.
نتیجه ← شراب موز حرام است.

نکته هر چند گسترده و پیچیده‌اند یا در راه تعریف کردن است یا در راه استدلال کردن.

۱- «ارسطو» کشف کرد که تمام فعالیت‌های ذهن بشر (تفکر)

۲- موضوعات علم منطق } اول - تعریف: روشن کردن تصورات مجهول با اندوخته‌های تصویری
(کارکردهای اصلی منطق) } دوم - استدلال: سازماندهی احکام و قضایا برای رسیدن به نتایج جدید





پ) حرکت‌های فکر: > حرکت اول: جمع‌آوری اطلاعات، مواد و مصالح لازم
> حرکت دوم: نظم و سامان‌بخشی به اطلاعات

به‌طور مثال، بسیاری از ما، واژگان انگلیسی بسیاری را در حافظه داریم. (جمع‌آوری اطلاعات ← حرکت اول) ولی نمی‌توانیم با آن‌ها چند تا جمله انگلیسی صحبت کنیم. ترکیب و استفاده از آن اطلاعات، حرکت دوم بشمار می‌رود.



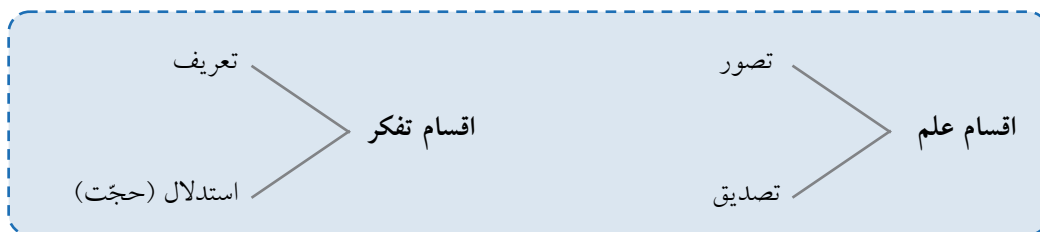
۱- «خطای فکر»: هنگام تعریف کردن است یا هنگام استدلال کردن

۲- هدف‌های منطق } هدف اول - درست تعریف کردن (پاسخ‌گویی به چیست‌ها)
} هدف دوم - درست استدلال کردن (پاسخ‌گویی به چراها)



آیش

درس دوم: چگونه تعریف می‌کنیم؟



تعریف

ذهن با رعایت قواعد خاصی به «تعریف» و روشن شدن مفاهیم می‌پردازد. یعنی برای روشن کردن یک تصور باید از تصورات دیگر کمک گرفت و نه تصدیق. مثلاً اگر کسی نداند «گروه» چیست؟ برایش با استفاده از تصورات معلوم دیگر، «تعریف» می‌کنیم: «تعدادی از افراد که با زندگی کنار هم، هدف واحدی را دنبال می‌کنند.»

الف) راه‌های شناساندن یک مفهوم: > ۱- از طریق اشاره به نمونه خارجی و مصداق عینی (سیب، لوح فشرده، کتاب)
> ۲- با ابزار و وسایل آزمایشگاهی (میکروب، میکروسکوپ)
> ۳- با ارائه مفاهیم (با استفاده از مفاهیم معلوم پیشین و با رعایت قواعد تعریف)

۱۹

ب) نقش و کاربرد «تعریف»: > ۱- در حیطه شخصی } ۱-۱- در همه مراحل زندگی و به دفعات فراوان
> ۱-۲- برای توسعه دانش خود
> ۲- در حیطه علمی: «دروازه ورود به هر علم»، آشنایی و تعریف اصطلاحات و مفاهیم آن علم است.

دانشمندان سعی دارند پیش از ورود به مسائل هر علم، تصور روشن و مشخصی از موضوعات مورد بحث ارائه کنند تا معلوم شود که دقیقاً درباره چه چیزی سخن می‌گویند.





نکته

- ۱- تصور و تصدیق، اقسام «علم» هستند ولی تعریف و استدلال، اقسام «تفکر».
- ۲- مفاهیم بدیهی و پرواضح، نظیر وجود، چیز و واحد، تعریف ندارد. چون خودبه‌خود روشن و واضح هستند.
- ۳- تعریف برخی مفاهیم مانند آزادی، دینداری، انسانیت، زندگی، کشور و... دشوار است به سبب:
 - ۳-۱) پیچیدگی این گونه مفاهیم
 - ۳-۲) برداشت‌های مختلف از این مفاهیم
- ۴- انسان با } تسلط بر قواعد منطق
تمرین و تجربه در به کارگیری این گونه مفاهیم } = تعریف نسبتاً جامع این مفهوم
- ۵- وظیفه منطق در بخش تعریف، فقط تبیین پنج قاعده تعریف است و نه تعریف و تبیین اشیا. اگر احیاناً به تعریف یک مفهوم علمی پرداخته، از باب «آموزش» بوده و از دیگر علوم کمک گرفته است.

برای سهولت در یادگیری درس، شرایط و قواعد تعریف، به انتهای درس ۵ منتقل گردیده است. 